دوفصلنامه تخصصی مؤمنات
momenat Two Specialized Semi-annual Journals
Year 1, Issue 1, spring & summer 2026, Serial Number 1 | سال اول ـ شماره اول ـ پیاپی ۱ ـ بهار و تابستان ۱۴۰۵

مدیریت تفاوت نسلی؛ راهبردی برای امیدآفرینی والدین در فرزندان (با رویکرد سبک زندگی اسلامی)

ملیحه سلیمی * | غزل حاجی محمد طاهر ** | هانیه شکاری *** | ریحانه‌سادات حسینی ****

چکیده

امید به عنوان یک سازه شناختی، محرکِ تعالی انسان است؛ با این حال، شتاب که در دنیا امروز شاهد آن هستیم، تفاوت‌های نسلی را به چالشی برای امیدآفرینی در نسل جول بدل کرده است. هدف این پژوهش، تبیین الگوی برای مدیریتِ تفاوت‌های نسلی در سبک زندگی اسلامی در راستای امید آفرینی در فرزندان است. پژوهش حاضر با اتخاذ روش «تحلیل مضمون» با هدف ارائه الگو از طریق مطالعه اسنادی نظام‌مند و با نمونه‌گیری هدفمند از آیات، روایاتِ تربیتی و نظریات مکمل غربی انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد تفاوت نسلی، پدیده‌ای است طبیعی و ناشی از مقتضیات زیست‌جهان دیجیتال است و مدیریت آن در پرتو سبک‌های سه‌گانه‌ی تربیت «محبت، عدالت و حکمت» (به‌مثابه‌ی ابعاد هم‌عرضِ یک کلان‌الگویِ تعادلی)، از طریقِ متغیر میانجیِ «عزت‌نفس و کرامت»، به تولید امید مبتنی بر ایمان می‌انجامد. مدلِ عملیاتیِ استخراج‌شده نشان می‌دهد والدین با «تسهیل‌گری معنابنیاد» و گذار از «کنترل‌گری رفتاری» به «سواد انتقادی»، می‌توانند تفاوت‌های نسلی را به فرصتی برای بلوغِ هویتی فرزندان تبدیل کنند. این پژوهش در نهایت با نقد مدل‌های صرفاً رفتارگرایانه، مدلی بومی برای امیدآفرینی خانواده‌محور ارائه داده و تدوین بسته‌های آموزشی والدگری بر این مبنا را به‌عنوان ضرورت آتی پیشنهاد می‌کند.

کلیدواژه‌ها

کلیدواژه‌ها: امیدآفرینی، سبک زندگی اسلامی، تفاوت نسلی، فرزندپروری، مدیریت تربیتی.

---

* دانش پژوه سطح سه حوزه علمیه و معاون پژوهش مدرسه الغدیر تهران (نویسنده مسئول) m.salimi.5761 @gmail .com
** طلبه سطح دو مدرسه علمیه الغدیر، تهران ghazalt251@gmail.com
*** طلبه سطح دو مدرسه علمیه الغدیر، تهران shekarihaniyeh310@gmail.com
**** طلبه سطح دو مدرسه علمیه الغدیر، تهران hoseynireyhane94@gmail.com

(تاریخ دریافت: ۱۳/ ۰۵/ ۱۴۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۰۸)

سلیمی، ملیحه؛ حاجی محمد طاهر، غزل؛ شکاری، هانیه؛ حسینی، ریحانه سادات (۱۴۰۵). مدیریت تفاوت نسلی؛ راهبردی برای امیدآفرینی والدین در فرزندان (با رویکرد سبک زندگی اسلامی)، *دوفصلنامه تخصصی مؤمنات*، ۱ (۱)، ۵۷ ـ ۷۸.

مقدمه

در دنیای پرشتاب و پیچیده امروزی، امید به‌عنوان محرک ذاتی و از بنیادی ترین نیازهای روانی فرد بشمار می رود که نقشی کلیدی در پویایی و عبور از بن‌بست‌های زندگی را ایفا می‌کند. فرد امیدوار شکست ها و چالش های زندگی را موقتی می داند؛ امید به افراد حس عمیق امن بود و قابل اعتماد بودن زندگی را می دهد. (سلیمان پور، ۱۴۰۴، ص ۱۶۰۴) خانواده به عنوان اصلی‌ترین نهاد تربیتی، نقش محوری در جهت‌دهی و تزریق امید به فرزندان را بر عهده دارند. با این‌حال، فرزندان با توجه به مقتضیات سنی خود، طبعی استقلال طلب و هیجان خواه دارند و در مقابل نسل بزرگسالان محافظه کارتر و پایندی بیشتری به سنت ها و هنجارهای اجتماعی دارنددر نتیجه شاهد ظهور پدیده‌ی «تفاوت نسلی» هستیم(والی و همکاران ، ۱۳۹۹، ۴۸) که مسیر تربیت را پیچیده کرده است.

مطالعات اندیشمندان در این حوزه نشان دهنده اهمیت این مسئله است. زارعی و همکارانش در مطالعه خود با عنوان " بررسی نقش امید تحصیلی در تقویت خودباوری و انگیزه یادگیری دانش آموزان " (۱۴۰۲)اظهار داشت که امید به عنوان یک عامل روان شناختی این باور را به فرد می دهد که توانایی دستیابی به اهداف خود را در آینده داراست. در ادامه حمزوی عابدی و شیخ الاسلامی در مقاله خود با عنوان " رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و تحول مثبت دردانش‌آموزان نوجوان: نقش واسطه‌ای امید " (۱۴۰۴)تاکید داشت که اولین و موثرترین عامل محیطی در تربیت فرزندان خانواده است با توجه به اینکه فرد بخش اعظمی از زندگی خود را در در مجیط خانواده و سپری می کند، روابط والدین و فرزندان به عنوان عامل تعیین کننده و شکل دهنده شخصیت فرزندان بشمار می رود. در تایید همین امر مقاله بذرافشان(۱۴۰۴) با عنوان "نقش خانواده در امید و امیدآفرینی"، به نقش بنیادین خانواده در ایجاد و تقویت امید آفرینی در فرزندان تاکید کرده است. لطفی پژوهشی با عنوان " بررسی شکاف نسلی میان جوانان و والدین و راهکارهای رفع آن "(۱۳۹۹)با تایید این مطلب افزود : جامعه امروز ما در حال نوسازی روابط اجتماعی است و همین امر موجب شکاف بین نسلی شده بدین صورت که بین ارزش های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، هنجاری های رفتاری و نگرشی جوانان و والدین تفاوت معنی داری وجود

دارد. به‌گونه است که عدم توجه به تفاوت ها ی بین دو نسل مانع از انتقال موثر مؤلفه‌های امیدبخش به فرزندان می شود. از همین روست که تبیین نقش والدینی برای امیدآفرینی در عینِ مواجهه با تفاوت‌های نسلی، امری غیرقابل انکار در مطالعات تربیتی بشمار می رود.

مطالعات موجود در این حوزه اگرچه ارزشمند هستند، اما فاقد رویکردی یکپارچه می‌باشند. پژوهش‌های پیشین این دو مقوله را به‌صورت مجازا از هم بررسی کرده‌اند و و از نقش «مدیریت تفاوت نسلی» بر «امیدآفرینی» فرزندان در فضای سبک زندگی اسلامی مغفول ماندند. اما پژوهش پیش‌رو امیدآفرینی را در فرایند تربیت با تمرکز بر تفاوت نسلی بررسی کرده است و هردو موضوع را به صورت یکپارچه مورد توجه قرار داده است. مسئلهٔ محوری این پژوهش، چگونگی مدیریت تفاوت بین نسلی و امیدآفرینی در نسل جوان است؛ از این رو پژوهش حاضر به جای توصیف کلی امید، از رهگذر واکاوی مبانی نظری امید نزد نظریه‌پردازان و تحلیل نقش میانجیِ سبک‌های تربیتی والدین، پیوندی نو میان شکاف نسلی و تربیت نسل امیدوار برقرار می‌سازد.

۱. مفهوم شناسی

برای تبیین موضوع این مقاله، به تفصیل به مفاهیم زیر پرداخته می شود:

۱.۱. امید

امید به معنی آرزو، آرمان و رجاء است. (دهخدا، ۱۳۵۱، ج۲، ص۲۲۲) به دیگر سخن، آزویی که گمان برآورده شدنش است و رویداد دلخواهی که با خوش بینی چشم به راهش باشند. (صدری افشار، ۱۳۸۸، ج۱، ص ۳۳۱)

۱.۲. شکاف نسلی

شکاف به معنای چاک، رخنه، ، گسستگی و دریدگی است. (دهخدا، ۱۳۵۱، ج۲۳، ص۴۵۸) و نسل گروهی از مردم که در زمان واحدی زاده شده‌اند و زندگی می‌کنند. (صدری افشار، ۱۳۸۸، ج۳، ص۲۷۳۲) با این تفصیل شکاف نسلی که یک کلمه ترکیبی است، در فرهنگ آکسفورد به معنای اختلافی در نگرش یا رفتار جوانان یا افراد سالمندتر تعریف شده است که موجب عدم فهم متقابل آنان از یک‌دیگر می‌شود و فرهنگ و بستر نیز آن را به عنوان اختلاف گسترده در خصلت ها و نگرش‌ها میان نسل‌ها تعریف کرده است. (معیدفر، ۱۳۸۳، ۵۶)

۱.۳. تربیت دینی

تربیت به معنای پروردن، پروراندن، آداب و اخلاق را به کسی آموختن است. (معین، ۱۳۸۷، ص۳۷۳) و همچنین پرورش استعداد های درونی که بالقوه در یک شیء موجود است، بر اثر تربیت، توانایی‌ها به فعلیت درآمده و پرورش می‌یابد. (مطهری، ۱۳۷۴، ص۷۶) دین نیز به معنی آیین، شرع وکیش است. (دهخدا، ۱۳۵۱، ج۱۷، ص۵۷۲) همچنین مجموعه ای از اعتقادات اساسی و مقررات مناسب به آن است که در مسیر زندگی مورد عمل قرار می‌گیرد. (طباطبایی، ۱۳۸۸، ص ۱۷تا ۱۹) با توجه به تعریف این دو مفهوم، تربیت دینی مجموعه تدابیر واقدامات سنجیده و منظم تربیتی به منظور پرورش و تقویت ایمان و التزام متربیان به باورها، هنجارها، ارزش ها، احکام و در مناسک دینی است. (ابراهیمی اقلیدی، ۱۳۸۹، ص۱۹)

۲. امید از منظر نظریه پردازان اسلامی و غربی

امید از منظر متفکران اسلامی و غربی امری پسندیده و نیروی محرک اصلی در زندگی انسان است و مانند چراغی است که به زندگی انسان جهت و معنا می‌بخشد، اما هدف و غایت نهایی از امیدداشتن ممکن است در پیشگاه اندیشمندان متفاوت باشد:

۲.۱. امید در دیدگاه اندیشمندان اسلامی

امید از فطریات است که مبدا به دست آمدن رجا و امیدواری را حسن ظن به خدای تعالی، ایمان به فیض و کمال و اسما و صفات است، امیدواری و رجا از جنود عقل است. (خمینی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۹ و۱۳۰) یکی از موجبات سعادت و خوشی امیدواری است که اگر امید نباشد، به مثابه این است که خانه وجود انسان چراغ ندارد. (مطهری، ۱۳۸۵، ج۱، ص۲۷۰) امید حالتی است که با حرکت همراه است و با تنبلی و سکون نمی‌سازد وکسی که امید دارد با امید به اینکه به سرمنزل برسد راه می‌رود اینکه کسی می نشیند و در عین حال امیدوار است که به منزل خواهد رسید، این نشدنی است. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۴۰۲/۰۳/۱۴)

۲.۲. امید در دیدگاه اندیشمندان غربی

امید، آرزو و انتظار برای چیزهای نیک و مقاصد پسندیده است؛ امید انسان را در برابر آزمون‌های این دنیا تقویت می‌کند و او را استوار و غیور می‌سازد (هاکس، ۱۳۷۷، ص۱۰۸). از منظر الهیات مسیحی، توماس

آکوئیناس امید را برترین فضیلت لاهوتی می‌داند و از آن‌رو که خداوند آغاز و راهنمای همهٔ کارهای انسان است، موضوع اصلی امید را خودِ خدا معرفی می‌کند؛ به‌گونه‌ای که همهٔ امیدها در او معنا می‌یابند (امینی، ۱۳۷۹، ص۵۵). این تلقیِ الهیاتی را باید از رویکرد روان‌شناختی معاصر غرب به امید بازشناخت. در رویکرد اخیر، که نمونهٔ بارز آن «نظریهٔ امید» اشنایدر است، امید به‌مثابهٔ سازه‌ای شناختی انگیزشی متشکل از «تفکر عاملی» (انرژی و ارادهٔ معطوف به هدف) و «تفکر مسیرمحور» (طراحی راه‌های دستیابی به هدف) تعریف می‌شود و کارکرد آن را مقابله با چالش‌ها و موانع زندگی و رسیدن به اهداف این‌جهان بیان می کنند. (احمدی، ۱۴۰۵، ۸۶)نقد مادی‌گرایی دقیقاً بر همین رویکرد روان‌شناختی صدق می‌کند؛ زیرا این دیدگاه انسان را تنها در چارچوب جهان‌بینی مادی تعریف کرده و خوشبختی محدود در لذت های این دنیا می داند و جایگاهی برای سعادت حقیقی و کمال غایی باقی نمی‌گذارد؛ حال آن‌که در مکتب اسلامی، امید به فیض و لطف الهی همراه با تلاش و عمل برای دستیابی به سعادت ابدی و اخروی است و از این رو عاملی کلیدی برای پیشبرد زندگی، حرکت و نشاط انسان به شمار می‌رود. با این همه، در هر دو نگاه نقش اصلی امید، مبارزه با خمودی و ناامیدی و هدایت به‌سوی آینده‌ای بهتر است.

۳. مفهوم امیدواری در قرآن کریم

خداوند نیز در آیات قران با بیان واژه رجاء بر داشتن امید تاکید داشته است. این کلمه بارها در آیات مختلف به کار رفته است، تا مومنان را به رحمت و بخشش الهی امیدوار سازد و آنان را از یاس و ناامیدی باز دارد. چنانچه در آیهٔ ۸۷ سورهٔ یوسف می‌فرماید: (ولا تیاسوا من رَوح الله).

در قرآن، واژه‌ی «رَوح» به معنای نفس راحت و آسایش به‌کار می‌رود و در برابر رنج و سختی قرار دارد. علت این کاربرد آن است که شدت گرفتاری و بیچارگی برای انسان همچون حالت اختناق و بی‌راهی به نظر می‌رسد، اما هنگامی که نجات و پیروزی حاصل می‌شود، نوعی تنفس و آرامش احساس می‌گردد. از این‌رو گفته می‌شود خداوند اندوه را به شادی و سختی را به گشایش تبدیل می‌کند. بنابراین (رَوح) که به خداوند نسبت داده می‌شود همان فرج و گشایشی است که به اذن و اراده‌ی او پس از سختی پدید می‌آید. از نگاه قرآن، مومنان باید همواره امیدوار به خدا باشند و هیچ گاه از رحمت او مایوس نشوند، زیرا یاس از رحمت الهی در حقیقت نادیده گرفتن قدرت و رحمت بی پایان اوست و نوعی کفر به شمار می‌آید. اولیای

خدا، خود مایوس نمیشوند و دیگران را از یاس برحذر می‌دارند. (طباطبائی، ۱۳۷۰، ج۱۱، ص۳۶۵ و قرائتی، ۱۳۸۳، ج۶، ص۱۴۳و۱۴۴)

بر اساس این مفاهیم، امید به رحمت الهی در قرآن صرفاً یک احساس گذرا نیست، بلکه نیرویی عمیق و بنیادین است که انسان را به موفقیت، رشد و آرامش در زندگی رهنمون می‌سازد.

۴. تاثیر امیدواری در مسیر زندگی انسان

امید، این حس درونی و معنابخش، نعمتی از سوی پروردگار عالم برای انسان است که او را به سوی سعادت و تلاش برای رسیدن به اهداف و آرزوهایش سوق می‌دهد.امید، نیروی محرکه و موتور وجود انسان است امید به رسیدن دنیا و آخرت و سعادت و کمال و همچنین امید، نشاط و سرزندگی را در روح و جان آدمی ایجاد می‌کند.(فرحزاد، ۱۳۹۳ ، ص۶۹)

داشتن امید و آرزو به عنوان عامل تحرک و فعالیت نعمتی است از جانب خداوند برای انسان و کسی آن را مذمت نمی‌کند بلکه باید خدا را شکر کرد که چنین نعمتی به انسان داده است. بهترین راه برای ایجاد و تقویت امیدواری در خود و دیگران پناه بردن و مانوس شدن به خداوند است. این انس با خدا روح و جان آدمی را پر از نور میکند. وقتی به سمت خدا حرکت کنیم، آثار و برکات و الطاف خداوند براي ما ظاهر می شود. (فرحزاد، ۱۳۹۳، ص ۳۸)

در نهایت می توان گفت که امید نیرویی حیاتی و محرکه قدرتمند در مسیر رشد زندگی انسان است. همانطور که بیان شد امید، به انسان نشاط و سر زندگی می بخشد و انگیزه ی لازم را برای پیشبرد اهداف دنیوی و اخروی در او ایجاد می کند.

۵. عوامل موثر بر امیدواری

امید نیرویی درونی است که به انسان کمک می‌کند تا در برابر سختی‌ها مقاومت کند عوامل بسیاری در ایجاد و تقویت امید موثر است که در ادامه مطالب زیر به چند مورد از آن عوامل اشاره می‌شود:

۵.۱. اندیشه خداباور

انسان مایوس حالت بسته و سردرگمی دارد نه حال عبادت دارد نه حال توبه و نه حال دنیا و نه حال آخرت

را دارد. برخی افراد در حالت یاس به پایان خط و خودکشی می‌رسند، بر این اساس در ناامیدی و یأس را در مکتب ما به طور کلی بسته‌اند. (فرحزاد، ۱۳۹۳، ص۳۲) قرآن کریم در آیهٔ ۵۳ سوره زمر می‌فرماید: ای بندگان من که بر خود ستم (و اسراف) روا داشته اید، از رحمت خداوند ناامید نشوید؛ چرا که خدا همه گناهان را می‌آمرزد. حتی اگر کسی بزرگترین گناه را هم انجام داده باشد نباید ناامید باشد اینکه بگوییم خدا من را نمی‌آمرزد یا توان آمرزش ندارد این گناه از کشتن انسان‌ها هم بالاتر است. (فرحزاد، ۱۳۹۳، ص ۳۴) آنچه مهم است، این است که ما امید و توکل و حسن ظن خودمان را به خدا به این دین به این معارف و به این احکام از دست ندهیم. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۰۴/۱۰). بدین ترتیب، اندیشه خداباور و اعتقاد به پروردگار هستی، نقشی کلیدی در تقویت امید ونشاط در زندگی ایفا می‌کند ایمان به رحمت بی‌نهایت خداوند، انسان‌ها را از ناامیدی و یاس باز میدار، حتی اگر گنهکار باشد.

۵.۲. توکل، کلید امیدواری

از زمانی که انسان پا به کره خاکی گذاشته و خود را شناخته همیشه با مشکلات و تلخ کامی‌های زندگی دست و پنجه نرم کرده وگاه بر مشکلات فائق آمده و گاه مغلوب آنها شده است؛ پدران و مادران هم حامل کوله باری از تجربه‌های مختلف و متنوع در زندگی می‌باشند. آنان سالیان دراز طعم مشکلات و سختی‌های روزگار را دیده و چشیده‌اند با فراز و نشیب‌های تلخ و شیرین آن آشنا هستند. لذا باید تجربیات خود را در اختیار فرزندان بگذارند و آنان را با مشکلات زندگی و سرد و گرم زندگی آشنا کنند.

سوق دادن تدریجی و هدایت شده آنها با صحنه‌های زندگی از سستی و ناز پروردگی نجاتشان دهند در این صورت اگر روزی فرزندان با مشکلی یا پیشامدی در هر رابطه که باشد روبه رو شوند ناامید نمی‌شوند و خود را نمی‌بازند بلکه با استقامت و پشتکار و مانند کوهی استوار و صبور می‌کوشند از آن سختی و تنگنا بیرون آیند زیرا تجربه پدر مادر را به عنوان حربه‌ای در دست دارند و دارای آمادگی قبلی هستند. برخلاف بچه‌هایی که ناز پرورده رشد یافتند و هیچ نوع آشنایی با سختی و مشکلات ندارند و از این رو با کوچک‌ترین ناملایمات زود خود را می‌بازند و اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهند. (مروجی طبسی ، ۱۳۹۰ ، ص۲۳۲) در برخی روایات به این نکته به خوبی اشاره شده که گاهی فرزندانتان را در کودکی جریمه کنید تا در زندگی صبور و بردبار باشند. اولین راه بلکه تنها راهی که بشر می‌تواند مشکلات و دردها و

رنج‌ها را بر خود هموار سازد توکل و امید به پروردگار خود و دعا به درگاه ایزدی است. وقتی او را وکیل خود سازیم و به او تکیه بنماییم، بار سنگین مشکلات از دوشمان برداشته می‌شود زیرا (مَن یَتَوَکَّل عَلی اللهِ فَهُوَ حَسبُهُ) (هرکس به خدا توکل کند خدا اورا کفایت می کند.) اگر چه تمام دنیا هم به او پشت کرده باشد، چون خدا را دارد هیچ غمی ندارد. آنان که در دنیا هیچ حامی و پشتیبانی نداشتند، اما خدا را پشتیبان خود قرار داده و به او توکل کرده بودند کم نیستند، هم‌آنان بودند که خود اسوه کامل بشریت قرار گرفتند. حضرت ابراهیم در دوران جوانی با توطئه نمرود به میان خرمنی از اتش سوزان افکنده شد اما با توکل و امید به خداوند در مقابل چشمان حیرت زده نمرودیان ان اتش سوزان به باغی از گلستان تبدیل شد. حضرت یوسف؈ در کودکی به دست برادرانش به چاهی افکنده شد و هیچ امیدی جز به خداوند یکتا نداشت، همین دلبستگی و توکل او موجب شد خداوند وی را از چاه تاریک نجات دهد و در مصر به قدرت و عظمت برساند. (مروجی طبسی، ۱۳۹۰، ص۲۳۳و۲۳۴)

با توجه به آنچه که گفته شد، انسان برای داشتن یک زندگی همراه با امید، باید علاوه بر کسب تجربه و آمادگی درونی، توکل، اعتقاد و باور قلبی به قدرت لایزال الهی داشته باشد، و او را بهترین حامی، راهنما و پناهگاه در تمامی دوران زندگی ببیند.

۶. تفاوت‌های نسلی

در تحلیل پدیدهٔ میان‌نسلی، نخست باید میان دو مفهومِ از حیث تحلیلی متمایز، یعنی «تفاوت نسلی» و «شکاف/گسست نسلی» مرز روشنی ترسیم کرد. «تفاوت نسلی» به تفاوت‌های ارزشی، نگرشی و رفتاریِ ناشی از سیر طبیعی رشد اشاره دارد و بخشی از فرایند رشدیِ کسب استقلال نسل جوان به شمار می‌رود؛ در حالی که «شکاف یا گسست نسلی» وضعیتی بحرانی است که در آن این تفاوت‌ها به انقطاع فرهنگی و ناتوانی نسل‌ها از درک و ارتباط متقابل می‌انجامد. روشن‌شدن این مرز تحلیلی، مبنای بررسی ویژگی‌های نسل جدید قرار می‌گیرد.

از این منظر، تفاوت نسلی عمدتاً در قالب تفاوت‌های ارزشی و نگرشی میان نسل‌ها ظاهر می‌شود و هرچند برخی آن را صرفاً به تفاوت‌های سنی فرو می‌کاهند، ماهیت آن فرهنگی است. تغییرات سریع اجتماعی که مشخصهٔ کشورهای صنعتی پیشرفته است، سبب می‌شود والدین اغلب درنیابند که نمی‌توانند

فرزندان خود را راهنمایی کنند؛ زیرا همه‌چیز نسبت به دورهٔ نوجوانی خود آنان به‌گونه‌ای چشمگیر و سریع تغییر کرده است. در چنین شرایطی، نوجوانان برای راهنمایی در برخی جنبه‌های زندگی گاه ترجیح می‌دهند از همسالان خود کمک بگیرند و راهنمایی والدین و دیگر بزرگسالان را در اولویت قرار نمی‌دهند و ممکن است میان آنان و والدینشان بر سر موضوعاتی چون استعمال دخانیات، رفتارهای جنسی، ارزش‌های اخلاقی، نگرش‌های سیاسی و موارد مشابه اختلاف‌نظر پدید آید. افزون بر این، نگرش نوجوانان غالباً آزادانه‌تر از والدینشان است. با این حال، مقایسهٔ نگرش‌های دو نسل نشان می‌دهد که هر دو گروه در ادراک میزان تفاوت‌های موجود دچار خطا می‌شوند: نوجوانان و جوانان شمارِ تفاوت‌های نگرشی مهم میان خود و والدینشان را به‌طور قابل ملاحظه‌ای بیش از حد ارزیابی می‌کنند، حال آن‌که والدین چنین تفاوت‌هایی را به‌طور قابل توجه کم‌تر از واقع برآورد می‌کنند. به تعبیر دیگر، در باب شکاف نسلی اغراق شده است: فاصلهٔ نسل نه آن‌قدر زیاد است که نوجوانان می‌پندارند و نه آن‌قدر اندک که والدین تصور می‌کنند. وانگهی، نوجوانان و جوانان ممکن است در گفت‌وگو با والدین، در مسائلی چون باورها، نگرش‌ها، مدل لباس و آرایش مو راحت نباشند و همین امر والدین را از درک درست نگرش‌های فرزندان باز می‌دارد (بیابانگرد، ۱۳۸۶، ص۱۷۸-۱۷۹).

بنابراین، آنچه میان نسل‌ها روی می‌دهد، تا زمانی که در دایرهٔ تفاوت نسلی باقی بماند، بخشی از سیر طبیعی نسل جوان برای کسب استقلال است و خود می‌تواند عاملی مناسب برای رشد عاطفی، هوشی و اجتماعی به شمار آید؛ اما هرگاه این تفاوت‌ها به انقطاع فرهنگی و ناتوانی نسل‌ها از گفت‌وگو بینجامد، به شکاف/گسست نسلی بدل می‌شود که چالشی واقعی برای خانواده‌ها و جامعه است. از این رو، اگرچه در خصوص عمق این فرایند اغراق شده است، با حمایت والدین و تربیت صحیح می‌توان از گذار تفاوت نسلی به شکاف نسلی پیشگیری کرد و این مسیر را به عبور موفق نوجوانان و جوانان از بحران‌های زندگی و رسیدن به تعادل تبدیل نمود.

۷. ویژگی های نسل جدید

جوانی دوره‌ای همراه با فعالیت، کوشش و نشاط برای رقم زدن آینده سرشار از موفقیت است. این دوره فرصتی برای کشف توانمندی‌ها و استعدادهای پنهان و آمادگی برای ورود موثر به عرصه بزرگسالی است.

با این حال ویژگی‌های خاص نسل جدید، باعث ایجاد تفاوت نسلی شده است که در ادامه این مطلب بررسی میشود:

۷.۱. استقلال گزینی

استقلال در نسل جدید فرایند بسیار مهمی است، که گروه‌های همسال نقش کلیدی و مهمی را ایفا می‌کنند. اما این فرایند به معنی طرد والدین نیست، بلکه تلاش و کوششی برای رشد شخصیتی و هویت یابی نسل جدید است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود:

کسب استقلال توسط نوجوان و جوان در بیشتر موارد فرایندی تدریجی است که در آن گروه‌های همسال نقش مهمی دارند. از آنجا که نوجوان در مقایسه با دوره‌های کودکی خود زمان بیشتری را با همسالان می‌گذراند از نظر عاطفی رابطه نیرومندی با آنها دارد، برخی خیال می‌کنند که نوجوان والدین خود را طرد می‌کند. این تصور اشتباه است، بیشتر نوجوانان با والدین خود احساس نزدیکی کرده و از ارزش‌های حمایت می‌کنند که مشابه ارزش‌های والدین است. نوجوانان در حرکت از حالت وابستگی عاطفی و به سوی استقلال، باید بیاموزند که از نظر حمایت و راهنمای کمتر به والدین متکی باشند ضمن اینکه محبت خود را نسبت به والدین حفظ کرده و به آنها ارتباط داشته باشند در دوره کسب استقلال از والدین نوجوانان ممکن است در مواردی همرنگی کورکورانه با هنجارهای همسالان نشان دهند در مواردی ممکن است نیاز باشد خود را با دیدگاه‌ها و ارزش‌های والدین به خاطر (تایید) استقلال خود نشان دهند البته سرانجام به سوی وضعیتی که در آن استقلال نسبی از والدین و نیز همسالان ایجاد می‌شود حرکت می‌کنند. (بیابانگرد، ۱۳۸۶، ص ۱۸۰)

با توجه به مطالب، استقلال طلبی در نسل جوان فرایند تدریجی و طبیعی است و مستلزم تلاش دوسویه والدین و جوانان است، در این مسیر همسالان نقش حیاتی را به عنوان پایگاه امن حمایتی ایفا می‌کنند. درک این فرایند و همراهی با آن در نهایت به شکوفایی نسل جدید و اصلاح روابط خانوادگی منجر می‌شود.

۷.۲. آزادی

آزادی از بزرگترین نعمت‌های زندگی و از گران‌ترین سرمایه‌های مادی و معنوی است. آزادی‌خواهی، این

میل طبیعی و ذاتی، با سرشت انسان در آمیخته است. در دوران جوانی میل به آزادی با قدرتی مضاعف بیدار میشود و نیرویی قدرتمند برای کشف حقایق را به وجود می اورد. در ادامه به بررسی این ویژگی از نسل جدید پرداخته میشود:

میل به آزادی در نسل جوان را نباید به صرفِ «پیروی از خواهش‌های نفسانی» فروکاست؛ این میل، پیش از آن‌که نشانهٔ هواپرستی باشد، جلوهٔ طبیعیِ دو نیاز بنیادین در فرایند رشد است: از یک سو، فطرت حقیقت‌جوییِ انسان که او را به رهایی از تقلید و تبعیت محض می‌خواند و از سوی دیگر، نیاز به استقلال هویتی که روان‌شناسی رشد، آن را لازمهٔ گذر از کودکی به بزرگسالی می‌داند. جوان، تازه از دوران کودکی و وابستگی به بزرگسالان جدا شده است و با روش‌های تند و افراطی خود می‌کوشد واکنشی در برابر دوران کودکی نشان دهد و کمبودهای آن دوران را جبران کند؛ اما این رفتار را باید خوانشی ناپخته از همان نیاز اصیل به حقیقت و استقلال دانست، نه ذاتِ میل به آزادی. چه‌بسا سخن از عقل و منطق، قانون و مقررات در نظر جوان نامطلوب جلوه کند و او آزادی را با آزادیِ نامحدود و بی‌حساب یکی بگیرد؛ حال آن‌که آزادی، رهاییِ مطلق نیست تا انسان هر تمایلی را که خواست انجام دهد، بلکه آزادیِ حقیقی با نظارت عقل، در جهت برنامه و هدف و در خدمت انسانیت، رشد و ارتقای عقلانی است (خاموشی، ۱۳۹۴، ص۲۳۱-۲۳۲).

بر این اساس، میل به آزادی در جوانی را باید در پیوند با فطرت حقیقت‌جویی و تلاش برای رهایی از وابستگی‌ها و دستیابی به هویتی مستقل فهمید. از این رو، رسالت تربیت اسلامی و والدین آن است که به‌جای سرکوب این میل اصیل، آن را جهت‌دهی کنند؛ نسل جدید باید بیاموزد که آزادی واقعی تنها آن‌گاه ارزشمند است که با منطق و مسئولیت‌پذیری همراه باشد، زیرا این نوع آزادی است که به سعادت و تکامل می‌انجامد.

۵.۳. اضطراب و تشویش خاطر

اضطراب به عنوان یکی از چالش‌های نسل جدید نقش محوری در بسیاری از مشکلات و تنش‌های خانوادگی ایفا می‌کند که به واسطه شرایط عاطفی اجتماعی و خانوادگی و ....تشدید می‌شود، این اختلال روانی محدود به بزرگسالان نیست بلکه میلیون‌ها کودک و نوجوان بدون آنکه بدانند مبتلا به آن هستند و با پیامدهای جدی آن در زندگی روزمره خود مواجه هستند. در ادامه این مطلب به بررسی ابعاد مختلف این

چالش در نسل جدید و راه‌های درمان آن پرداخته می‌شود:

اضطراب یک حالت عاطفی است که در آن عامل مبهمی از ترس ناشی از پیش بینی حوادث نامطبوع یا احساس ناگوار و هیجانی در برابر خطری احتمالی وجود دارد و نزدیک و مانعی در راه وصول به هدف است. (خاموشی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۳) طبق سنت الهی رسالت ازدواج و تشکیل خانواده ایجاد آرامش در بین افراد است. وقتی قرار باشد محیط خانواده آشفته باشد، نه تنها این محیط برای رشد فرزندان نامناسب است، بلکه سلب آرامش هم می‌کند از طرفی وقتی کودک در بین خانواده دچار کمبود محبت و کم لطفی می‌شود، سپس در اجتماع نیز با همین مشکل مواجه گردد مضطرب می‌شود، نه تنها کودک بلکه نوجوانان و جوانان هم با دیدن کم لطفی از اطرافیان حالت اضطراب و ناراحتی را احساس می‌کنند. یکی از راه‌هایی که دین مقدس اسلام برای کاهش مشکلات و درمان بیماری‌های همچون اضطراب عنوان می‌کند تقویت ایمان است توجه به خداوند و کمک خواستن از نیروی لایزال الهی بهترین وسیله آرامش روح و رفع نگرانی است. (خاموشی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۸ و ۱۲۹ و ۱۳۰) لذا آنچه که در روایات اسلامی به ویژه در (رساله ی حقوق) امام سجاد﵇ به عنوان یکی از مسئولیت های بزرگ والدین مطرح گردیده مسئله ی آشنا کردن فرزندان با خدا و آفریدگار جهان هستی و تقویت ایمان و امید است. (مروجی طبسی، ۱۳۹۰، ص۱۵۷)

بنابراین، اضطراب که یک‌چالش چندوجهی است هم ریشه در محیط بیرونی (خانواده و جامعه) دارد و هم راه درمان آن در درون فرد و امید به نیروی لایزال الهی است. بنیان خانواده سالم در کنار تقویت ایمان و امید فرزندان، بهترین راهکار مقابله با اضطراب و مشکلات و تضمین آرامش روانی در نسل آینده است. البته ویژگی‌های نسل جدید در این چند مورد خلاصه نمی‌شود این نسل دارای ویژگی‌های بسیاری است که به علت پرهیز از اطاله کلام به آن پرداخته نمی‌شود.

۸. تأثیر سبک تربیتی والدین بر نسل امیدوار

سه‌گانهٔ «محبت‌محور»، «عدالت‌محور» و «حکمت‌محور» در این پژوهش نه به‌مثابهٔ سه سبک مستقل و رقیب، بلکه به‌مثابهٔ سه بُعد یا مؤلفهٔ هم‌عرض از یک سبک جامع تربیتی مفهوم‌سازی می‌شود که می‌توان آن را «تربیت حکیمانه» یا «سبک اعتدالی» نامید. در این میان، مؤلفهٔ «عدالت» نقش بُعد تعدیل‌کننده و توازن‌بخش را ایفا می‌کند؛ به‌گونه‌ای که از لغزش محبت به‌سوی «سهل‌گیری» و از انحراف قانون‌مندی

به‌سوی «استبداد» جلوگیری می‌نماید. بدین ترتیب، ترکیب متوازن این سه بُعد، نه جمع سه رفتار مستقل، بلکه یک کلان‌الگوی منسجم از تربیت اسلامی را شکل می‌دهد که نزدیک‌ترین همتای آن در روان‌شناسی تحولی، سبک «مقتدرانه»[1] است؛ سبکی که در آن اقتدارِ مبتنی بر حکمت با گرمای محبت و انصافِ عدالت درهم آمیخته است.

۸.۱. سبک تربیتی

سبک‌های تربیتی، الگوهایی برای پرورش فرزندان هستند که از تعامل درست و پاسخ‌های متعادل والدین به رفتار و عملکرد فرزندان شکل می‌گیرند. افزون بر این، سبک تربیتی به‌عنوان یک چارچوب کلی بر کارکردهای خانوادگی اثرگذار است. (میرگل و همکاران، ۱۴۰۱، ص۶۰) بر اساس آموزه‌های اسلامی، اگر تربیت بر پایه‌ی محبت، حکمت و عدالت استوار باشد، حتی با وجود تفاوت‌های نسلی، آسیب‌های تربیتی کاهش می‌یابد و می‌توان نسلی امیدوار و پویا پرورش داد. در ادامه، سبک‌های تربیتی اسلامی با جزئیات بیشتری بررسی خواهد شد.

۸.۲. سبک تربیتی محبت محور

آغاز رابطه و دوستی با نسل جدید، مستلزم کاهش انتقادات و توقعات و به حداقل رساندن بازخوردهای منفی در مورد عملکرد های آنان است. در حقیقت، رابطه محبت آمیز و همراه با نرمش، به ویژه با این نسل، از قوي ترین و پر جاذبه ترین و سازنده ترین رابطه ها است.

وظیفه پدر و مادر تنها تامین غذا و لباس و بهداشت کودک نیست بلکه فراتر از آن آبیاری کردن مزرعه دل های آن ها با آب حیات بخش محبت و عطوفت است. (مروجی طبسی، ۱۳۹۰، ص۶۰) نیاز به محبت یکی از نیازهای بنیادین و جهان‌شمول آدمی است که ارضای آن با تجربهٔ هیجانیِ شادمانی و احساس محبوبیت پیوند دارد. اهمیت این نیاز در دوران کودکی، به‌مراتب بیش از بزرگسالی است؛ زیرا پژوهش‌های روان‌شناسی تحولی نشان می‌دهد که تجربهٔ محبت و پاسخ‌گویی عاطفیِ پایدار مراقبان، زمینه‌ساز شکل‌گیری «دلبستگی ایمن»[2] در کودک است. کودک، برخلاف تصور عامه، به کیفیت عاطفی رابطهٔ خود

1. Authoritative
2. Secure Attachment

با مراقب حساس‌تر است تا به امکانات مادی محیط؛ به بیان دیگر، فقدان محبت و امنیت عاطفی، تأثیرات رشدیِ عمیق‌تری بر او بر جای می‌گذارد تا محرومیت‌های اقتصادی. از این رو، ارضای نیاز به محبت را باید پیش‌شرط تحول سالم شخصیت، تنظیم هیجان و شکل‌گیری اعتماد بنیادین در کودک دانست. (خاموشی، ۱۳۹۴، ص۷۰) از این رو نوازش والدین به فرزندان جرات و شجاعت و اعتماد به نفس می‌بخشد روحیه آنان را در برابر مشکلات قوی می‌سازد. (مروجی طبسی، ۱۳۹۰، ص۶۰) فرزندانی که در خانواده از محبت سرشار باشند یک انسان طبیعی خواهند بود و عقده روانی ندارند خیرخواه و انسان دوست هستند چون طعم شیرین محبت را چشیده اند. (خاموشی، ۱۳۹۴، ص ۷۰) محبت کلید حل بسیاری از مشکلات فرزندان به شمار می‌رود اگر بخواهیم به میزان کارآمدی فرد در آینده واقف شویم می‌توانیم آن را در میزان مهر و محبتی که از جانب والدین به کودک و نوجوان ابراز می‌شود مشاهده کنیم هر چقدر ن مهر و محبت بیشتر و اصولی‌تر باشد می‌توان انتظار داشت فرزندان در آینده از کارایی بهتری در مواجهه با فراز و نشیب‌های زندگی برخوردار باشند(ابراهیمی اقلیدی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۹)

امام صادق﵇ می‌فرمایند : خدا بنده‌اش را به واسطه شدت محبتی که نسبت به فرزندش دارد مورد رحمت قرار می‌دهد. (ابن بابویه، ۱۳۸۶، ص۳۸۷) سبک تربیتی محبت محور از منظر اهل بیت﵈ بسیار دارای اهمیت است لذا در سیره اهل بیت ما شاهد چنین سبکی که عامل تربیت انسان است هستیم. اما تنها دوست داشتن فرزند کافی نیست بلکه آثار تربیتی این دوستی آنگاه ظهور می‌کند که مهر و محبت قلبی به عاطفه و محبت و صمیمیت در سخن و عمل گفتن مبدل گردد. (مروجی طبسی، ۱۳۹۰، ص۶۲) البته که بهترین پدر و مادرها کسانی هستند که محبت فرزند را از تربیت جدا می‌کنند یعنی فرزندان خود را در عین حال که صمیمانه دوست دارند با چشم واقع عیوب و صفات ناپسند آنها را می‌بینند و با روش عاقلانه به اصلاح آنها می‌پردازند. (خاموشی، ۱۳۹۴، ص۷۳)

نمونه ای عملی از سیره معصومین بر مبنای تربیت محبت محور بیان می‌شود:

مفضل بن عمر می‌گوید: بر امام موسی کاظم وارد شدم دیدم آن حضرت فرزند خود علی(بن موسی الرضا) را در دامان خود نشانده و او را می‌بوسد و زبانش را می‌مکد و گاه بر شانه‌اش می‌گذارد گاه او را در آغوش می‌گیرد و می‌گوید پدرم فدای تو باد چه بوی خوشی داری و چه اخلاق پاکیزه‌ای و چه روشن و

آشکار است فضل و دانشت. (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ص۳۴۰)

۸.۳. سبک تربیتی عدالت‌محور

یکی از وظایف اخلاقی پدر و مادر رعایت اعتدال و مساوات بین فرزندان است و هیچگاه نباید پسر را بر دختر یا فرزندی را بر فرزندان دیگر مقدم بدارند و یا نزد فرزندانشان یکی را بیش از همه مورد مهر و محبت و نوازش قرار بدهند اگر می‌بوسند تمام فرزندانشان را ببوسند اگر سوغاتی می‌خرند برای همه آنان بخرند. بدیهی است که پدر و مادر از ثمری تلخ این تبعیض‌ها بی‌بهره نمی‌مانند لذا اعتماد بچه‌ها از آنان سلب می‌شود علاوه بر این با دستان خود آتش حسادت و دشمنی و کینه را ن فرزندانشان شعله‌ور می‌کنند. (مروجی طبسی، ۱۳۹۰، ص ۷۶)

نعمان بن بشیر از پیامبر اکرمﷺ روایت می‌کند که فرمود: از خدا بترسید و بین فرزندانتان با عدالت رفتار کنید همانگونه که دوست دارید آنان به شما نیکی کنند.(مجلسی، ۱۳۸۱، ج ۱۰۴، ص۹۲) رسول خدا نسبت به تبعیض بین پسران و دختران حساس بودند

۸.۴. سبک تربیتی حکمت محور

مفهوم «حکمت» در تربیت را می‌توان بر مدار تعادل‌بخشی میان دو قطبِ «آزادی» و «نظارت» صورت‌بندی کرد؛ به این معنا که تربیت حکیمانه، تربیتی است که از رشد یک‌بعدی پرهیز کرده و در هر مرحله میان ابعاد به‌ظاهر متقابل، توازن برقرار سازد. نخستین جلوهٔ این تعادل، توازن میان «محبت» و «قاطعیت» است: مربی و مادر، در عین صمیمیت، لطف و مهربانی، باید در مواقع لزوم با قاطعیت برخورد کند؛ زیرا تشویق به‌تنهایی کارساز نیست و به توبیخ و تنبیهِ به‌جا نیز نیاز است (خاموشی، ۱۳۹۴، ص۷۴). با این حال، همین قاطعیت آن‌گاه که به خشونت و غضب بدل شود، نتیجهٔ معکوس می‌دهد؛ از این رو، چنان‌که در نامهٔ ۳۱ نهج‌البلاغه آمده است، زنده بودن دل به اندرزِ نیکو منوط شده است نه به هر اندرزی، تا فرزند با جان و دل پذیرای آن باشد (ابراهیمی اقلیدی، ۱۳۸۹، ص۳۹). جلوهٔ دوم حکمت، «جامعیت تربیت» است: تربیت باید همه‌جانبه باشد و به مسائل مذهبی اکتفا نکند؛ ورود فرد به اجتماع امری اجتناب‌ناپذیر است، از این رو آموزش دینی در کنار پرداختن به مباحث اجتماعی، ضامن بقای روحی فرد است (ابراهیمی اقلیدی، ۱۳۸۹، ص۴۷). جلوهٔ سوم، که در آن تعادل آزادی و نظارت به‌روشنی نمایان می‌شود، مواجههٔ فرزند با

جامعه و گروه همسالان است: کودکان و نوجوانان امروز، افزون بر خانواده، با دنیای خارج ارتباط برقرار می‌کنند و از رفتار یکدیگر تأثیر می‌پذیرند؛ در این میان، هوشیاری و دقت والدین در گزینش دوستان، همراه با برخوردهای مشفقانه و خردمندانه، آنان را به انتخاب دوستانِ پاک، متعهد و تلاشگر هدایت می‌کند (مروجی طبسی، ۱۳۹۰، ص۱۴۸)؛ چنان‌که امیرالمؤمنین﵇ یار و همنشین را چون خویشاوند می‌داند و دوست راستین را کسی می‌شمارد که در نهان نیز آیین دوستی را رعایت می‌کند (نهج‌البلاغه، نامهٔ ۳۱). در همین چارچوب، موضوع «کنترل‌گری والدگری» ذیل یک گزارهٔ تحلیلی مشخص سامان می‌یابد: نظارت حکیم حد خود فراتر رود و به تسلط مداوم، محافظت افراطی و دلسوزی بیش از اندازه بدل شود، عملاً قطب «آزادی» را حذف کرده و تعادل حکیمانه را بر هم می‌زند. از این رو، والدین باید مسئولیت رفتارهای فرزندان را به خودشان واگذارند، به آنان فرصت تشخیص مناسب بدهند و از قضاوت‌های زودهنگام پرهیز کنند؛ زیرا چنین کنترلی نتیجه‌ای معکوس به دنبال دارد (فرهادیان، ۱۳۸۳، ص۷۶-۷۷). بدین ترتیب، تربیت موفق و مؤثر، تربیتی است که این تعادل را در تمام ابعاد برقرار سازد؛ والدین با بهره‌گیری توأمان از محبت، عدالت و حکمت می‌توانند فرزندانی مسئولیت‌پذیر، مستقل، امیدوار و سالم پرورش دهند که نه تنها در خانواده، بلکه در جامعه نیز موفق خواهند بود.

۹. نقش والدین در تقویت امید در نسل جدید

پس از بررسی اهمیت امید در پویایی نسل جوان و تبیین سبک‌های تربیتی، نقش والدین در امیدآفرینی را می‌توان در قالب یک مدل مفهومی سه‌مرحله‌ای صورت‌بندی کرد: سه بُعد تربیت و «حکمت»، «آزادی» و «عدالت»، از کانال میانجیِ «عزت‌نفس و کرامت»، «امیدِ مبتنی بر ایمان» را در نسل جدید بازتولید می‌کنند. در این مدل، عزت‌نفس و کرامت نقش متغیر واسطه‌ای را ایفا می‌کند که اثر سبک تربیتی والدین بر امید را تبیین می‌نماید.

بنیاد این مدل بر این اصل استوار است که عزت، مهم‌ترین و بنیادی‌ترین اصل تربیت است در آیه ۸ سوره منافقون خداوند متعال فرمود :" عزّت و اقتدار مخصوص خدا و پیامبرش و مؤمنان است" [۱]ذیل

۱. «وَ لِلّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ».

همین آیه امام صادق ع می فرمایند: خدای تبارك و تعالی همه امور خود را به مؤمن واگذار کرده، ولی این که او خود را خوار کـنـد به او واگذار ننموده، مگر ندیدی که خدای تعالی در قرآن کریم درباره فرموده : (و لله العـزة و لرسوله و للمؤمنین) که به حکم این آیه مؤمن باید عزیز باشد، و ذلیل نباشد. (طبرسی، ج ۱، ص ۲۴۵) فردی که با عزت رشد یابد، در هر اوضاع و احوالی راست و استوار می‌ماند (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۶، ص۲۱۴). عزت نفس، برداشت شخص از ارزش و اهمیت خویش است و ارزشی که فرزند برای خود قائل است، عموماً نشئت‌گرفته از اهمیتی است که والدین به او می‌دهند؛والدین دانا با پیروی از دستور پیامبر اکرمﷺ : اکرموا اولادکم را به کار می بندند و فرزند خود را محترم می شمارند و بدین وسیله شخصیت فرزند خود را پرورش می دهند.(نراقی، ۱۳۹۰، ص۴۰۵)

والدینِ محبت‌کننده و حمایتگری که پشتیبان فرزندان خود هستند و توانایی‌ها، احساسات و رفتار وی را مثبت ارزیابی می‌کنند، این نگرش امیدوارانه را در او به وجود می‌آورند که فردی شایسته و ارزشمند است (لطف‌آبادی، ۱۳۸۰، ص۵۶). بدین ترتیب، «محبت» به‌عنوان نخستین بُعد تربیتی، از طریق پاسخ‌گویی عاطفی، حمایت و ارزیابی مثبت، احساس ارزشمندی را در فرزند پایه‌ریزی می‌کند. دل جوان چونان زمین بکر و آماده است که هر بذری با محبت و حکمت در آن کاشته شود، به‌سرعت و به شکل مطلوب رشد می‌کند (خاموشی، ۱۳۹۴، ص۲۰۰).

بُعد «حکمت» نیز از کانال عزت‌نفس، امید را تقویت می‌کند و نمونهٔ تاریخی آن در سیرهٔ امیرالمؤمنینؑ مشهود است؛ آن حضرت حتی در صحنه‌های جنگ از تربیت و نظارت بر فرزند خود غافل نمی‌شد و به محمد بن حنفیه می‌فرمود: «کوه‌ها بجنبد ولی تو حرکت مکن؛ بدان که پیروزی در دست خداوند است» (نهج‌البلاغه، خطبهٔ ۱۱). این برخوردِ توأمان قاطع و دلسوزانه، ترس را از فرزند دور می‌کند و او را با شهامت و شجاعت بار می‌آورد؛ یعنی حکمت، از طریق تعادل میان مهر و قاطعیت، عزت نفس را به شجاعت و امیدِ توأم با توکل بدل می‌سازد.

بُعد «عدالت» و احترام به کرامت، سومین مسیر بازتولید امید است. پیامبر اکرمﷺ بر حفظ و رشد کرامت کودکان تأکید فراوان داشت؛ زیرا باور داشت با حفظ کرامت و شخصیت کودکان می‌توان انسان‌هایی مستقل، آزاد، شایسته و با فضیلت تربیت کرد و احترام واقعی به شخصیت کودکان، آنان را از

پستی و فرومایگی دور ساخته و به رشد روحی و اخلاقی می‌رساند (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۶، ص۲۱۱-۲۱۲). الگوی رفتاری پیامبر برای امیرالمؤمنین﵇ نیز مؤید همین سازوکار است؛ چنان‌که فرمود: «من همواره با پیامبر بودم، چونان فرزند که با مادر است؛ هر روز نشانه‌ای تازه از اخلاق نیکو را برایم آشکار می‌کرد و به من فرمان خطداد که به او اقتدا نمایم» (نهج‌البلاغه، خطبهٔ ۱۹۲). اگر والدین به کودکان بیاموزند که هم خودشان و هم دیگران از عزت نفس و کرامت برخوردارند، احترام به شخصیت خود و دیگران جزو خوی دائمی فرزندان می‌گردد و آنان از فخرفروشی بی‌معنا، تعدی به حقوق دیگران، بدخلقی و خشم روی‌گردان شده و به صفات نیکوی اخلاقی آراسته می‌شوند که زمینه‌ساز موفقیت و همزیستی تکاملی با دیگران است (مروجی طبسی، ۱۳۹۰، ص۲۱۵).

نکتهٔ تحلیلی مهم آن است که این احساس ارزشمندی، در نوجوانی و جوانی نیز در برداشتی که فرد از خود دارد تداوم می‌یابد و نوع کنترلی که والدین و بزرگسالان بر نوجوانان اعمال می‌کنند، بر عزت نفس او مؤثر است (لطف‌آبادی، ۱۳۸۰، ص۵۷). از این رو، تربیتی که بنیادش بر ایجاد عزت نفس و امید استوار باشد، در تحکیم شخصیت انسانی و مصون‌سازی فرزند در برابر وسوسه‌ها و معاصی موفق خواهد بود؛ زیرا هیچ چیز مانند فقدان عزت، انسان را مستعد تباهی نمی‌سازد و ریشهٔ همهٔ تباه‌گری‌ها در ذلت نفس است؛ بنابراین بهترین راه اصلاح فرد و جامعه، عزت‌بخشی و عزت‌آفرینی است (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۶، ص۲۱۶).

خلاصهٔ تلفیقی این مدل مفهومی در جدول زیر ارائه می‌شود:

بُعد تربیتی	مؤلفه‌های تفاوت نسلی	سازوکار اثر بر عزت‌نفس و کرامت	بازتاب در امیدِ مبتنی بر ایمان
محبت	استقلال‌خواهی آزادی (خواهی) اضطراب و تشویش	پاسخ‌گویی عاطفی، حمایت و پشتیبانی؛ ارزیابی مثبت از توانایی‌ها، احساسات و رفتار فرزند	شکل‌گیری احساس ارزشمندی و شایستگی؛ اعتماد به پشتوانهٔ والدین
حکمت	استقلال‌خواهی آزادی (خواهی) اضطراب و تشویش	تعادل میان مهر و قاطعیت؛ الگودهی و آموزش خردمندانه؛ مواجههٔ دلسوزانه در شرایط دشوار	دور ساختن ترس؛ پرورش شجاعت و آرامش؛ توکل و امید در سختی‌ها

بُعد تربیتی	مؤلفه‌های تفاوت نسلی	سازوکار اثر بر عزت‌نفس و کرامت	بازتاب در امیدِ مبتنی بر ایمان
عدالت	استقلال‌خواهی	احترام به کرامت و شخصیت؛ پرهیز از تحقیر، تبعیض و کنترل افراطی؛ مسئولیت‌دهی	عزت پایدار و امنیت روانی؛ مصونیت در برابر وسوسه‌ها؛ همزیستی تکاملی
	آزادی (خواهی)		
	اضطراب و تشویش		

جدول ۱: مدل تلفیقی مدیریت شکاف نسلی و ارتقای امیدآفرینی در پرتو سبک‌های تربیتی اسلامی

بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که سه بُعد تربیتی اسلامی (محبت، عدالت، حکمت)، به‌واسطهٔ تقویت عزت‌نفس و کرامت، امیدِ ریشه‌دار در ایمان به خداوند را در نسل جدید بازتولید می‌کنند. این امید، فرزندان را قادر می‌سازد در مواجهه با سختی‌ها و چالش‌های زندگی با آرامش و شجاعت عمل کنند و از دل مشکلات به موفقیت دست یابند.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش، پارادایم تربیتیِ خانواده‌محور را از الگوی کنترل‌گریِ رفتاری به الگوی تربیت سه بعدی «حکمت»، «آزادی» و «عدالت» ارتقا می‌دهد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که تفاوت‌های نسلی، نه یک وضعیتی بحرانی ، بلکه به مقتضای رشد اجتماعی در زمان معاصر است که در صورت مدیریت صحیح، می تواند به زمینه ای برای بلوغِ ایمانی مبدل شود. در این مدل، والدین از طریق سبک‌هایِ سه‌گانه‌یِ تربیتی به پرورش عزت نفس در فرزندان به ایجاد نگرش امیدوارانه می پردازند . در واقع، والدینِ ترازِ اسلامی در ارتباط با نسل جدید، نه با سلب حس استقلال‌طلبی آزادی خواهی جوان ، بلکه با پاسخ دهی مناسب به احساسات جوان و جهت دهی آن در مسیرِ توکل و کرامت، بذرِ امید را در جانِ فرزند خود می‌کارند.

تلفیق یافته‌های چهار بخش پژوهش (مفهوم امید، تفاوت نسلی، سبک‌های سه‌گانه و مکانیسم عزت‌نفس) به این مدل تحلیلی می‌انجامد: تغییرات سریع فرهنگی و ارزشی، «تفاوت‌های نسلی» طبیعی‌ای پدید می‌آورد که برخاسته از مقتضیات عصر است، نه گسست هویتی قهری؛ و آنچه اصالت دارد، شیوهٔ مواجههٔ والدین است، چه مدیریت حکیمانهٔ این تفاوت‌ها مانع از تبدیل آن‌ها به «شکاف نسلی» می‌شود.

در این چارچوب، سبک‌های تربیتی سه‌گانه (محبت، عدالت، حکمت) به‌عنوان ابعاد هم‌عرض یک کلان‌الگوی اعتدالی، از کانال میانجیِ «عزت‌نفس و کرامت»، امیدِ مبتنی بر ایمان را بازتولید می‌کنند. پاسخ صریح به سؤال پژوهش چنین است: والدین، به‌عنوان نخستین و پایدارترین عامل تربیت، نه با حذف تفاوت‌ها، بلکه با آگاهی از جهان‌بینی نسل جدید و کاربست متوازن این ابعاد، نسلی امیدوار و مسئولیت‌پذیر می‌پرورند.

پیشنهادات کاربردی

۱. سوادِ انتقادیِ رسانه‌ای به جای کنترل‌گریِ افراطی: والدین باید به جای کنترل گری افرای بر مصرفِ رسانه ای فرزندانشان ، به سمتِ ارتباط دیالوگ‌محور با فرزند حرکت کنند تا نوجوان بتواند در مواجهه با آسیب های رسانه ایی، از حمایت والدین خود بهره مند شوند.

۲. تقویتِ هویتِ شبکه‌ای با محوریتِ کرامتِ خانوادگی: برای مقابله با بحرانِ هویتِ ناشی از فضای مجازی، خانواده باید به‌عنوانِ یک مرکزِ ثقلِ عاطفی عمل کند

۳. مدیریتِ حکیمانه در فضایِ اضطراب آور فضای مجازی، مربیان و والدین باید به‌جای تقابلِ مستقیم با ابزارهایِ مدرن، به آموزشِ تاب‌آوریِ وجودی بپردازند تا فرزندان در مواجهه با فشارهایِ هنجاریِ دنیایِ شبکه‌ای، دچارِ خودباختگی نشوند و «عزت‌نفسِ ایمانی» خود را حفظ کنند.

پیشنهادات پژوهشی

۱. تدوینِ بسته‌هایِ مداخله‌ای: طراحی و تدوین «پروتکل‌هایِ والدگریِ اسلامی» برای نسل Z و آلفا و سازوکارهایِ مدیریتِ تضادهایِ دنیایِ واقعی و مجازی را پوشش دهند.

۲. بررسیِ متغیرهایِ تعدیل‌گر: پژوهش‌هایِ بعدی می‌توانند با متغیرهایی تعدیل گر مانند «میزانِ سوادِ رسانه‌ای والدین» و «سطحِ تعاملِ دیجیتال»، کارآمدیِ این الگو در زمینه های دیگر جامعه ایرانی و اسلامی بسنجد.

منابع

قران کریم.

نهج البلاغه (صبحی صالح).

ابراهیمی اقلیدی، علی. (۱۳۸۹). اصول فرزندداری. تهذیب.

ابن‌بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۶). ثواب الاعمال و عقاب الاعمال (مترجم: محمدرضا انصاری). اندیشه هادی.

احمدی، احمد. (۱۳۷۵). روان‌شناسی نوجوانان و جوانان (چاپ ششم). نخستین.

احمدی، محمد رضا؛ متقی فر، فهیمه؛ میقی فر، غلامرضا(۱۴۰۵)، تطبیق نظریه امید اسنایدر با امید در معارف دینی و کاربرد تربیتی آن، دین پژوهی و کارآمدی، دوره ۶ ، شماره ۲، صص ۸۳-۱۰۲.

امینی، محمدهادی. (۱۳۷۹). چیستی و ماهیت «امید» بر اساس آرای سن توماس آکوئیناس در کتاب وی «مدخل الهیات Summa Theologica»، کتاب ماه دین، شماره ۴۰، صص ۵۲-۵۸.

بذرافشان، شهرزاد(۱۴۰۴)نقش خانواده در امید و امیدآفرینی، اولین همایش ملی روانشناسی نشاط، فرهنگ و بهزیستی.

بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۸۶). روان‌شناسی نوجوانان (چاپ یازدهم). دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. مؤسسه آل البیت (علیهم السلام).

حمزوی عابدی، سیده زهرا؛ شیخ الاسلامی، سمیه(۱۴۰۴)، رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و تحول مثبت .در دانش آموزان نوجوان: نقش واسطه ایی امید، مطالعات آموزش و یادگیری، دوره ۱۶ ، شماره ۲، صص ۱۶۵- ۱۸۴.

حیدری نراقی، علی محمد(۱۳۹۹)، رساله حقوق امام سجاد(ع)، ناشر مهدی نراقی.

خاموشی، فاطمه. (۱۳۹۴). رهنمودهای تربیت دینی (چاپ دوم). آستان قدس رضوی.

خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۹۲). شرح حدیث جنود عقل و جهل. موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۷۶). سیری در تربیت اسلامی (چاپ دوم). مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.

دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۵۱). لغت‌نامه دهخدا. چاپخانه دانشگاه تهران.

زارعی، اعظم؛ دلاوری، مرضیه؛ صادق پور، هادی؛ رهسپار، هدایت الله، (۱۴۰۲)، بررسی امید تحصیلی در تقویت خودباوری و انگیزه یادگیری دانش آموزان، فصلنامه تحقیقات راهبردی در تعلیم و آموزش و پرورش، سال اول، شماره نهم ، صص ۵۷- ۶۹.

سلیمان پور، نجمه(۱۴۰۴)، مهندسی امید، نیرویی برای تحول و رشد، فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، شماره ۹۷، ص ۱۶۰۳-۱۶۰۹.

صدری افشار، غلامحسین، و همکاران. (۱۳۸۹). فرهنگ‌نامه فارسی: واژگان و اعلام (چاپ دوم). فرهنگ معاصر.

طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۷۰). ترجمه تفسیر المیزان (سید محمدباقر موسوی همدانی، مترجم؛ چاپ چهارم). بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی.

طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۸۸). شیعه در اسلام (چاپ پنجم). بوستان کتاب.

طبرسي، علي بن حسن(۱۴۱۸ ه.ق)، مشكاه الانوار في غرر الاخبار، موسسه فرهنگي دار الحديث.

فرحزاد، حبیب‌الله. (۱۳۹۳). امید به رحمت الهی. عطش.

فرهادیان، رضا. (۱۳۸۳). آنچه درباره کودکان و نوجوانان باید بدانیم (چاپ سوم). مؤسسه فرهنگی تربیتی توحید.

قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). تفسیر نور (چاپ سیزدهم). مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

لطف‌آبادی، حسین. (۱۳۸۰). عواطف و هویت نوجوانان و جوانان. نسل سوم.

لطفی، علیرضا. (۱۳۹۹). بررسی شکاف نسلی میان جوانان و والدین و راهکارهای رفع آن. مطالعات اسلامی در حوزه سلامت، دوره چهارم ، شماره ۲، صص ۴۷-۵۶.

مجلسی، محمدباقر. (۱۳۸۱). بحار الانوار (چاپ چهارم). مکتبه الاسلامیه.

مروجی طبسی، محمدجواد. (۱۳۹۰). حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت (ع) (چاپ هفدهم). بوستان کتاب.

مطهری، مرتضی. (۱۳۷۴). تعلیم و تربیت در اسلام (چاپ بیست و ششم). صدرا.

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۵). یادداشت‌های استاد مطهری (چاپ سوم). صدرا.

معیدفر، سعید. (۱۳۸۳). شکاف نسلی یا گسست فرهنگی (بررسی شکاف نسلی در ایران). نامه علوم اجتماعی، دوره ۲۴، شماره ۲۴، شماره پیاپی ۴۴۹، صص ۵۵-۷۹

معین، محمد. (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی معین (چاپ اول). میلاد.

میرگل، احمد، و همکاران. (۱۴۰۱). بررسی سبک‌های تربیتی والدین بر التزام عملی به اعتقادات مذهبی نوجوانان. پویش در آموزش علوم انسانی دانشگاه فرهنگیان، دوره ۸، شماره ۲۶، شماره پیاپی ۲۶، صص ۵۹-۶۷.

والی، علی؛ آدمی، علی؛ خرمشاد، محمد باقر؛ رهبر، عباس علی(۱۳۹۹)، فصلنامه مطالعات ملی، سال بیست و یک ، شماره ۱، ص ۴۷-۶۵.

سایت‌ها:

پایگاه اطلاع رسانی آثار حضرت آیت الله مصباح یزدی:

https://mesbahyazdi.ir/node/231

پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای:

https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=2958#85960

پایگاه رسمی نشر اندیشه های بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران:

https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=2958#85960